



آثار و برکات معنوی حج

سید جواد حسینی

ضیوف الرحمان می تواند چنان تحولی را ایجاد کند؛ بلکه در بستگان و مستظران زائر بعد از برگشت او نیز می تواند اثر گذار باشد. آنچه پیش رو دارید، نگاهی است به برخی از آثار و برکات معنوی حج که امید است بتواند برای مبلغان و خوانندگان عزیز مفید و راهگشا باشد.

اهمیت حج

در قرآن کریم آیات متعددی درباره حج و احکام آن آمده است که برای نشان دادن اهمیت آن به دو آیه اشاره می شود:
الف. فراخوان عمومی حج: قرآن کریم می فرماید: «و [به خاطر آور] زمانی را

حج هر چند سابقه تاریخی دارد و حتی قبل از ظهور اسلام، به عنوان یک مسئله عبادی مطرح بوده است، ولی آن گونه که در اسلام لازم شمرده شده و با شرایط خاص تبیین گردیده است، آثار و برکات بی شماری دارد که مجموعاً می توانند در تحول و سازندگی انسان نقش شگرف و معجزه آسایی داشته باشند.

به راستی اگر از حج درست و صحیح بهره برداری شود، هر سال می تواند میلیونها انسان را به سوی خدا متحول کرده، سازندگی عمیقی در آنان ایجاد کرد. نه تنها در خود زائران و

معنوی و مادی باشد.

ب. جایگاه خانه خدا: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ﴾ * فيه آيات بينات مقام ابراهیم و من دخله كان آمناً ولله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلاً و من كفر فإن الله غيبي عن العالمين؛^۳ [نخستین خانه‌ای که برای مردم [و برای نیایش خداوند] قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است و پربرکت و مایه هدایت جهانیان می‌باشد. در آن، نشانه‌های روشن، [از جمله] مقام ابراهیم است و هر کس داخل آن [خانه خدا] شود، در امان خواهد بود و برای خدا بر مردم [واجب] است که آهنگ خانه [او] کنند [و حج به جا آورند]؛ آنهایی که توانایی رفتن به سوی آن را دارند. و هر کس کفر ورزد [و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده و] خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است.»

آیه فوق نیز نکات بسیار گرانسنگی درباره اهمیت حج دارد که

که جای خانه (کعبه) را برای ابراهیم آماده ساختیم. [تا خانه را بنا کند و به او گفتیم: چیزی را همتای من قرار مده و خانه‌ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجود کنندگان [از آلودگی بتها و از هر گونه آلودگی] پاک ساز!]^۱

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾؛^۲ «و مردم را دعوت عمومی به حج کن! تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر از هر راه دوری به سوی تو بیایند تا شاهد منافع گوناگون خویش [در این برنامه حیات بخش و سازنده] باشند.» در این آیات نکات فراوانی وجود دارد که دلالت بر اهمیت و جایگاه رفیع حج دارد، از جمله:

۱. از آماده و پاکیزه کردن خانه خدا برای حاجیان توسط پیامبر الهی چون خلیل الرحمان ﷺ؛

۲. اعلان عمومی برای شرکت همه مردم در این برنامه عبادی و سازنده؛

۳. بیان حکمت و فلسفه حضور در حج که رسیدن به منافع گوناگون

۱. حج / ۲۶.

۲. همان / ۲۷-۲۸.

۳. آل عمران / ۹۶-۹۷.

توجهی درباره اهمیت حج ارائه شده است که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

۱. تأخیر حج: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ سَوَّفَ الْحَجَّ حَتَّى يَمُوتَ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا؛ کسی که حج را تأخیر اندازد [و در انجام آن امروز و فردا کند] تا بمیرد، خدا او را در روز قیامت یهودی یا مسیحی محشور می‌کند.»

این مطلب همان است که در آیه به آن اشاره شده و از تارک حج به «مَنْ كَفَرَ» تعبیر گردیده است.

۲. خانه خدا: امیر مؤمنان علی علیه السلام در واپسین لحظات عمر خویش وصیتهای مهمی دارد و از جمله می‌فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تُخْلَوْهُ مَا يَقْبَلُكُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكْتُمْ لَمْ تَنْظُرُوا؛ خدا را، خدا را در باره خانه پروردگارتان [کعبه] در نظر بگیرید] تا هستید، آن را خالی مگذارید؛ زیرا اگر کعبه خلوت شود،

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، ج ۷۷، ص ۵۸، ح ۴؛ منتخب میزان الحکمة، محمدی ری شهری، دار الحدیث، ص ۱۲۳.

۲. نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه ۴۷؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۱۲۲.

در کتب تفسیری بیان شده است. اهم آن نکات، از این قرار است:

۱. نخستین مرکز عبادت برای همه در تمام روی زمین، کعبه و مسجد الحرام قرار داده شده است؛
۲. این مرکز هم مایه برکت است و هم عامل هدایت برای همه جهانیان؛
۳. نشانه‌های روشن الهی همچون: مقام ابراهیم، حجر الاسود و... در آن نمایان است؛

۴. از نظر فقه اسلام هر کسی وارد مسجد الحرام گردد، در امان است و هیچ کس نباید متعرض او گردد؛ هر چند دردمندانه باید گفت: بارها در طول تاریخ توسط عده‌ای خود کامه این حرمت شکسته شده است؛
۵. ترک حج، کفر شمرده شده است، (هر چند کفر عملی باشد) و این نشانه اهمیت آن است و زیان آن متوجه خود تارک حج خواهد بود و الا خداوند از همه بی‌نیاز است. حتی اگر هیچ فردی در دنیا عمل حج را انجام ندهد، کوچک‌ترین زیانی به خداوند نمی‌رسد.

در رایات هم تعبیرهای قابل

مهلت داده نمی شوید.»

۳. آزمایش بندگان: امام صادق علیه السلام فرمود: «وَهَذَا بَيْتٌ اسْتَعْبَدَ اللَّهُ بِهِ خَلْقَهُ لِيَخْتَبِرَ طَاعَتَهُمْ فِي إِيْتَابِهِ فَحَتَمَهُمْ عَلَى تَعْظِيمِهِ وَ زِيَارَتِهِ وَقَدْ جَعَلَهُ مَحَلَّ الْأَنْبِيَاءِ وَقِبْلَةَ لِلْمُضَلِّينَ لَهُ وَهُوَ شُعْبَةٌ مِنْ رِضْوَانِهِ وَطَرِيقٌ يُؤَدِّي إِلَى عُفْرَانِهِ مَنْصُوبٌ عَلَى اسْتِوَاءِ الْكَمَالِ وَمُجْتَمِعُ الْعِظَمَةِ؛^۱ این خانه [خدا] است که در برابر آن خلقش را متعبد کرده است تا مردم را در پیروی کردنشان در [انجام حج و] آمدن به سوی کعبه مورد آزمایش قرار دهد. پس مردم را بر تعظیم و زیارت آن تشویق کرده؛ در حالی که آن را محل [عبادت] انبیا و قبله نمازگذاران قرار داده است. و کعبه شاخه‌ای از رضوان الهی و راهی به سوی بخشش خداوندی و نصب شده بر مرکز اعتدال کمال و مجمع عظمت [و بزرگی] است.»

گوید، [حاجتش] برآورده نمی شود، مگر نگاهش به [حاجیان] سر تراشیده بیفتد.» کنایه از اینکه حج را انجام دهد و همراه حاجیان حلق کند تا حاجتش بر آورده شود.

۵. رزم شدن زورگویان: امام صادق علیه السلام فرمود: «مَا مِنْ بُقْعَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ الْمَسْعَى لِأَنَّهُ يُدَلُّ فِيهِ كُلُّ جَبَّارٍ؛^۳ هیچ بقعه‌ای از محل سعی نزد خدا محبوب تر نیست؛ چرا که هر جباری در آنجا رام می شود.»

۶. پایداری دین: امام صادق علیه السلام می فرماید: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكُفْبَةُ؛^۴ تا زمانی که کعبه [و انجام حج] بر پا باشد، دین نیز برای همیشه برپا خواهد بود.»

آثار و برکات معنوی حج

با توجه به نکات پیش گفته، در این بخش به اهم آثار و برکات معنوی

۴. حوائج دنیوی: امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ تَرَكَ الْحَجَّ لِحَاجَةٍ مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يُفَضَّ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَى الْمُحَلِّقِينَ؛^۱ کسی که حج را برای حاجتی از حاجتهای دنیوی ترک

۱. امالی، شیخ صدوق، ص ۴۹۳، ح ۴؛ توحید، شیخ صدوق، ص ۲۵۳، ح ۴.
 ۲. ثواب الاعمال، صدوق، ص ۲۸۱، ح ۱؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۱۲۳.
 ۳. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۴۵، ح ۳۴.
 ۴. الحکم الزاهرة، علی رضا صابری، جامعه مدرسین قم، ج ۱، ص ۱۵۸.

استفاده می‌برند. امروزه می‌توان از طریق زیارت آنها و آشنا شدن با مقام و منزلت و مظلومیت آنان و استفاده از کلمات و سخنان گهربارشان، بر معرفت و معلومات خویش افزود.

از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمود: «فَإِنْ قَالَ إِلَى اللَّهِ... مَعَ مَا فِيهِ مِنَ التَّفَقُّهِ وَنَقَلَ أَخْبَارَ الْأَئِمَّةِ عليهم السلام إِلَى كُلِّ صُفْعٍ وَنَاحِيَةٍ؛^۱ پس اگر بگویند: چرا به انجام حج دستور داده شده است؟ گفته می‌شود: [یکی] به این علت که به خدا برگشت کرده، بر او وارد شود... گذشته از این، حج باعث آگاهی [به احکام و معارف] و انتقال اخبار [و سخنان] ائمه عليهم السلام به تمام نقاط [زمین] و دور دستها می‌شود.» گذشته از آشنایی با احکام و معارف؛ آشنایی و گفتگو با افراد گوناگونی از مسلمانان کشورهای مختلف با فرهنگها و زبانهای متفاوت، خود باعث رشد آگاهی و معلومات انسان می‌گردد.

و در یک کلام، سفر حج کوله بار سنگینی از آگاهی و معلومات و کسب

حج در می‌پردازیم، و آثار و برکات مادی حج را در مقاله‌ای جداگانه بحث خواهیم کرد.

۱. رشد آگاهی و معرفت: آشنا شدن با خانه خدا و تاریخ کهن و طولانی آن و آشنایی با محل نزول وحی و آثار به جای مانده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم عليهم السلام و طبعاً زنده شدن تاریخ اسلام و خاطرات تلخ و شیرین آن در جای جای مکه و مدینه، انسان را با مجموعه‌ای از اطلاعات وسیع آشنا می‌سازد و با دقت می‌توان گفت که یک دوره تاریخ اسلام عملاً مرور می‌شود؛ مخصوصاً با توجه به این نکته که زائران از مکانهای مختلف مکه، از غار حرا گرفته تا عرفات و منی و مساجد مختلف، و در مدینه نیز از مساجد و نقاط مهم و فراوان دیدار و زیارت می‌کنند و با توضیحاتی که توسط روحانیان و یا مطالعه خود افراد انجام می‌گیرد، بر اطلاعات و آگاهی دینی آنان افزوده می‌گردد.

در گذشته، علاوه بر این مسائل، با امامان معصوم عليهم السلام بیشتر آشنا می‌شدند و از علوم و معارف آنها

۱. عیون الاخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۱۹، ح ۱؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۱۲۳.

معارف را می‌تواند به دنبال داشته باشد؛ البته اگر سرگرمیهای فراوان و خریدهای بیش از حد و مرز مانع نگردد.

۲. گناه زدایی: از مهم‌ترین آثار عمل عبادی حج، پاکیزگی از آلودگیها و گناهان است که این خود می‌تواند برکات بی‌شماری را در پی داشته باشد.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: «أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ الْإِسْلَامَ يَهْدِيكُمْ مَا كَانَتْ قَبْلَهُ وَأَنَّ الْهِجْرَةَ تَهْدِيكُمْ مَا كَانَتْ قَبْلَهَا وَأَنَّ الْحَجَّ يَهْدِيكُمْ مَا كَانَتْ قَبْلَهُ؟^۱ آیا نمی‌دانسی که اسلام [با مسلمان شدن] آنچه را پیش از خود بوده است، محو می‌کند و هجرت، آنچه را قبل از آن بوده است، از میان می‌برد و حج [نیز گناهان و] آنچه پیش از خود بوده را می‌زداید [و از بین می‌برد]؟»

بنابراین، انسانی که از حج بر می‌گردد، همچون نوزادی است که تازه به دنیا آمده و گذشته او کاملاً پاک و پرونده‌های قبلی او مختوم اعلام می‌شود.

در روایت پیش گفته از امام صادق علیه السلام خواندیم که خداوند انجام

حج را «طَرِيقٌ يُؤَدِّي إِلَى غَفْرَانِهِ» قرار داده است. امام علی علیه السلام نیز فرمود: «الْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ وَقَدْ لَلَّهِ وَيَخْبُوهُ بِالْمَغْفِرَةِ؛^۲ حج کننده و عمره‌گذار [مهمان خداست و] بر خدا وارد می‌شود و خداوند مغفرت [و بخشش از گناهان] را به او هدیه می‌دهد [و این‌گونه از او پذیرایی می‌کند].»

حتی اگر در مسیر حج و یاد ر حال انجام آن از دنیا برود، مورد غفران الهی قرار می‌گیرد و در روز قیامت از عذاب و عقاب در امان خواهد بود. حضرت صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ مَاتَ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ ذَاهِبًا أَوْ جَائِعًا أَمِنَ مِنَ الْفَرْعِ الْأَكْبَرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^۳ کسی که در راه [زیارت خانه خدا در] مکه، در حال رفتن یا برگشتن از دنیا برود، از ناله بزرگ روز قیامت در امان خواهد بود.»

و اگر در حال احرام از دنیا رفته

۱. راهگشای انسانیت (نهج الفصاحة)، قم، گلستان ادب، ترجمه ابراهیم احمدیان، ص ۵۲۰، ح ۳۲۳

۲. الخصال، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۳۴؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۱۲۲، ح ۱۳۸۰.

۳. الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۲۶۳، ح ۴۵؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۱۲۴، ح ۱۴۰۳.

باشد، لبیک گویان در روز قیامت محشور می‌گردد: «مَنْ مَاتَ مُحْرِمًا بَعَثَهُ اللَّهُ مُلَبَّيًّا؛ کسی که در حال احرام از دنیا رود، خداوند لبیک گویان او را مبعوث می‌کند.»

آری، حجی که با کندن لباس مرسوم و پوشیدن لباس احرام و لبیک به این رمز که «خدایا! گناهان را از خود دور ساختم و با غسل در لحظه احرام، خود را از گناهان شستشو دادم.» شروع می‌شود و با اشکهای لحظه لبیک توحیدی ادامه می‌یابد و با حاجی نگاه به خانه خدا برترین آرزوی خویش را عفو گناهان خود بر می‌شمارد و با طواف دور خانه خدا اعلام می‌دارد که بعد از این فقط دور خدا و ارزشهای الهی خواهد چرخید، نه هوا و خواسته‌های شیطانی، تا اینکه به قربانی می‌رسد که در واقع قربانی کردن هوس است و آن‌گاه تراشیدن سر، به معنای اینکه فکر گناه را نیز از مغزم زائل کردم، بدین ترتیب، باید اولین اثرش گناه زدایی باشد.

۳. بهشت رفتن: هر فردی که از گناهان پاک گشت، یقیناً در آخرت

رستگار خواهد بود و بهشت جاویدان جایگاه او می‌گردد. حج هم اثر گناه زدایی دارد و هم پاداش گرانسنگی به نام بهشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ؛^۲ حج مقبول را پاداشی جز بهشت نیست.»

گذشته از این پاداش، هر دره‌می که در مسیر حج صرف می‌شود، معادل هزار درهم پاداش دارد. علی رضی الله عنه فرمود: «نَفَقَةُ دِرْهَمٍ فِي الْحَجِّ تَغْدِلُ أَلْفَ دِرْهَمٍ؛^۳ خرج کردن [و سرمایه گذاری] در [راه انجام] حج، هر درهمش برابر با هزار درهم است.»

۴. افزایش ایمان: بین عمل و ایمان و اعتقاد رابطه تنگاتنگی وجود دارد. هر چه اعمال نیک و خیر بیشتر شود، بر قدرت ایمان افزوده می‌گردد و بر عکس، اعمال ناشایست و انجام گناه ایمان را ضعیف و سست می‌کند. حج مجموعه اعمال و عباداتی است که

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۰۲، ح ۵۶؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۱۲۴، ح ۱۴۰۴.

۲. نهج الفصاحة، ص ۵۲۰، ح ۳۴۵.

۳. الخصال، ص ۶۲۸، ح ۱۰؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۱۲۲.

شدیداً بر تقویت و اصلاح و افزایش ایمان تأثیر گذار است. به همین جهت، امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «حُجُّوا وَ اعْتَمِرُوا... يَصْلُحُ اِيْمَانُكُمْ...»^۱ حج و عمره را به جا آورید... تا ایمان شما اصلاح [و تقویت] شود...»

۵. آرامش روحی: حج مجموعه اعمالی است که انسان را با توحید و یگانگی خدا و یاد او و همین طور با موحدان تاریخ و بندگان صالح و ذاکر خدا، یعنی انبیاء و اولیاء علیهم السلام و... آشنا می سازد. اتصال به توحید و مبدأ هستی و یاد خدا، باعث آرامش روحی و روانی انسان می شود. به راستی اگر به دقت ملاحظه شود، با تمام هجوم جمعیت و تراکم آن، گرمی هوا و سنگینی اعمال در لحظه بستن احرام و لیبیک گفتن، حین طواف و در حال سعی بین صفا و مروه، در عرفات و منی و در همه جا آنچه از چهره حاجیان مشهود است، آرامش روحی و روانی و نشاط و شادی درونی غیر قابل وصف است.

امام باقر علیه السلام در این زمینه فرمود: «الْحَجُّ تَسْكِينُ الْقُلُوبِ؛^۲ حج [باعث]

آرامش دلهاست.»

۶. رشد اخلاقی: اثر دیگر حج این است که بر اخلاق انسان و رشد آن تأثیر بسزایی دارد؛ از یک طرف، با ممنوعیت جدل و ناسزاگویی و... انسان را تمرین می دهد که برای همیشه از رذائل اخلاقی زبانی دوری جوید و از طرف دیگر، با ایجاد خشوع قلبی و تواضع درونی، تکبر و غرور و خود خواهی را که محور و عامل بسیاری از گناهان و رذائل اخلاقی است، از انسان دور می سازد.

به راستی اگر انسان لباس فاخر خود را کنار گذاشت و همرنگ جماعت و جمعیت حاجیان خداجو شد و در عرفات بر خاک نشست و خاک نشین گردید و در سعی بین صفا و مروه هروله کنان سنگینی ظاهر و با تبختر راه رفتن را کنار گذاشت و با حلق سَرِّ از زلف و زیبایی خود که دستاورد موی سر است، گذشت و با ترک نگاه به آئینه از آرایش صورت غافل گشت و با همه مردم یک رنگ و

۱. نواب الاعمال، ص ۷۰، ح ۳.

۲. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۸۲، ح ۸.

اتصال به توحید و مبدأ هستی و یاد خدا، باعث آرامش روحی و روانی انسان می شود

یک صدا شد، تکبر و غرور را نیز کنار خواهد گذاشت.

درباره خشوع قلبی، حضرت رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّمَا أُمِرُوا بِالْإِحْرَامِ لِيَخْشَعُوا قَبْلَ دُخُولِهِمْ حَرَمَ اللَّهِ؛^۱ همانا [مردم] به پوشیدن لباس احرام [در آغاز اعمال حج] امر شده اند تا قبل از ورود به حرم الهی خاشع شوند.»

و درباره تواضع آفرینی حج، حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام چنین فرمود: «وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِّلْأَنَامِ ... وَجَعَلَهُ سُبْحَانَةَ عَلَمَاتِهِ لِيَتَوَاضِعُوا لِعِزَّتِهِ وَإِذْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ؛^۲ خداوند حج بیت الحرام را که قبله مردم قرار داده، بر شما واجب کرد ... و آن را علامت تواضع مردم در مقابل عظمت خداوند و باور عزت خداوند توسط مردم قرار داد.»

و درباره تکبر زدایی اعمال حج، حضرت صادق علیه السلام فرمود: «مَا مِنْ بُقْعَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْمَسْعَى لِأَنَّهُ يُذِلُّ فِيهِ كُلَّ جَبَّارٍ؛ هیچ بقعه ای محبوب تر از محل سعی [بین صفا و مروه] در نزد خدا نیست؛ چرا که در آنجا هر متکبر [مغروری] را خوار می کند.» و مخصوصاً در هنگام هروله که در هر دور در بخشی از مسعی مستحب است، به خوبی هیبت و غرور متکبران و تبختر مغروران می شکند.

۷. دوری از دنیا: از دیگر آثار اخلاقی و روانی حج، دنیاگریزی است؛ همان دنیایی که محبت آن عامل تمام خطاها و گناهان است. حج خانه خدا می تواند محبت به دنیا و زرق و برق آن را کمرنگ و یازائل کند.

حضرت رضا علیه السلام در این باره می فرماید: «إِنَّمَا أُمِرُوا بِالْإِحْرَامِ لِيَخْشَعُوا قَبْلَ دُخُولِهِمْ حَرَمَ اللَّهِ وَ أَمْنَهُ وَ لِئَلَّا يَلْتَهُوا وَ يَشْتَبِلُوا بِشَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا وَ زِينَتِهَا وَ لَدَائِهَا

۱. وسائل الشیعة، حر عاملی، دار احیاء التراث، ج ۹، ص ۳، ح ۴؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۱۲۴.

۲. نهج البلاغة، خ ۱.

حضور امامان معصوم علیهم السلام یکی از شرایط تکمیل حج این بوده که مردم به ملاقات امام خویش بشتابند و ضمن تجدید بیعت از خرمن معارف الهی آنها توشه‌ها برگیرند.

امام باقر علیه السلام در حدیثی حکمت و فلسفه حج را چنین بیان فرمود: «إِنَّمَا أَمَرَ النَّاسَ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَخْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُونَنَا فَيُخْبِرُونَنَا بِوَلَائِهِمْ وَيَعْرِضُوا عَلَيْنَا نَصْرَتَهُمْ؛^۱ همانا به مردم دستور داده شد که نزد این سنگها (کعبه) بیایند و دور آن طواف کنند. آن‌گاه نزد ما آیند و ما را از ولایتشان خبر دهند و یاری خود را بر ما عرضه کنند.»

حدیث فوق یکی از مهم‌ترین آثار و برکات حج و شاخص‌ترین فلسفه آن را تقویت امامت می‌داند.

ممکن است به ذهن برسد که در دوران معاصر این اثر و حکمت منتفی است؛ چون امام زمان علیه السلام از انظار غائب است و دیدار و ملاقات و تجدید عهد با او امکان ندارد. در پاسخ باید

وَيَكُونُوا جَادِينَ فِيمَا هُمْ فِيهِ قَاصِدِينَ نَحْوَهُ مُقْبِلِينَ عَلَيْهِ بِكُلِّيَّتِهِمْ؛^۲ همانا [مردم] دستور داده شده‌اند به [پوشیدن] احرام تا قبل از ورود به حرم امن الهی خاشع گردند و تا اینکه دور لهو نروند و مشغول اموری از دنیا و زینتها و لذات آن نشوند و در آنچه هستند [از اعمال حج] جدی [و با تلاش] و با توجه به سوی آن [اعمال] باشند و با تمام وجودشان روکننده به حرم الهی باشند.

توجه تمام به خانه خدا هم اثر آنی دارد که باعث شور و حال عجیب و ریزش اشک از چشمان انسان می‌شود و انسان را برای ساعاتی از دنیا و لذتهای بی‌دوام آن جدا می‌سازد و هم اثر ماندگار دارد؛ چرا که این لحظه‌ها نمادی است برای توجه دائمی انسان به خداوند و فاصله گرفتن از دنیا و لذات آن در بیش از مقدار لازم و ضروری.

۸. تقویت اعتقاد به امامت و ولایت: از

بزرگ‌ترین آثار و برکات حج این است که اعتقاد به امامت و ولایت امامان معصوم علیهم السلام تقویت و ریشه‌های آن محکم می‌گردد. به این جهت، در زمان

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۳۱۴، ح ۴.

۲. عیون الاخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۲، ح

۳۰؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۱۲۳.

گفت: اولاً، این‌گونه نیست که راه دیدار امام زمان علیه السلام در زمان غیبت کاملاً مسدود باشد و چنان‌که در بخش بعدی خواهیم گفت: ملاقات حضرت برای برخی افراد میسر است.

ثانیاً، اگر دستمان از زیارت امام غائب کوتاه است، وظیفه داریم به زیارت قبور امامان بقیع بشتابیم و با کسب آگاهی از مقام و منزلت آنان و فراگیری سخنانشان - که در منابع حدیثی موجود است - و گریه و زاری به خاطر مظلومیت امامان بقیع، ره توشه‌های گرانسنگی برگزیریم و با ارواح پاک آنها تجدید عهد کنیم و اظهار نماییم که تا آخرین لحظه حیات خویش، بر اعتقاد به امامت شما پای می‌فشاریم و اگر دوران ظهور امام غائب قسمت و نصیب ما گردد، تا آخرین لحظه توانمان از یاری و نصرت آن حضرت کوتاهی نمی‌کنیم.

با توجه به این نکته است که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «أَتَمُّوا بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَجَّكُمْ إِذَا خَرَجْتُمْ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ فَإِنَّ تَرْكَهُ جَفَاءٌ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُمْ وَأَتَمُّوا بِالْقُبُورِ الَّتِي أَلْزَمَكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَقَّهَا وَزَيَّارَتَهَا وَاطَّلَبُوا

الرِّزْقَ عِنْدَهَا؛^۱ هر گاه به [زیارت] خانه خدا می‌روید، با [زیارت مرقد] رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حج خویش را کامل کنید! پس به راستی ترک زیارت مرقد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جفا است [در حق پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] و به این امر دستور داده شده‌اید و کامل کنید [حج خویش را] با [زیارت] قبور کسانی که خداوند حق آنها و زیارت آنان را بر شما لازم شمرده است و در نزد آن [از خداوند] طلب روزی کنید!

یقیناً منظور از زیارت قبوری که حق آنها بر مردم لازم شمرده شده است، امامان معصوم علیهم السلام مخصوصاً ائمه بقیع می‌باشد؛ البته ممکن است از این روایت استفاده شود که زیارت قبور معصومان علیهم السلام شرط کمال حج است؛ چنان‌که در بین متدینان رسم است بعد از زیارت خانه خدا و مدینه منوره به زیارت امام هشتم، علی بن موسی علیه السلام در خراسان می‌شتابند و در صورت امکان و باز بودن راه، به زیارت قبور امامان در عراق، یعنی

۱. الخصال، ص ۱۶۶ ح ۱۰؛ مستخب میزان الحکمة، ص ۱۲۳.

از بزرگ‌ترین آثار و برکات حج این است که اعتقاد به امامت و ولایت امامان معصوم علیهم‌السلام تقویت و ریشه‌های آن محکم می‌گردد.

دوم که البته بر روی همه به شرط لیاقت باز است، این است که زائری حضوراً به محضر آن قطب عالم امکان برسد و حج خویش را از این طریق تمام نماید. این‌گونه افراد نادرند، ولی در طول تاریخ برگزاری حج در دوران غیبت، فرد یا افرادی بوده‌اند^۳ که به این فیض عظمی رسیده‌اند.

ادامه دارد.

نجف و کربلا و کاظمین و سامراء نیز می‌روند و این‌گونه حج خویش را تکمیل می‌کنند.

۹. دیدار امام زمان علیه‌السلام: خود دیدار امام زمان علیه‌السلام در هر زمان، قطع نظر از تجدید عهد و تحکیم اعتقاد به امامت، از شرایط کمال حج و از آثار و برکات آن دانسته شده است؛ چنان‌که امام باقر علیه‌السلام فرمود: «تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ؛^۱ تمام کردن حج، ملاقات کردن امام [هر زمان] است.» و این دیدار در دوران غیبت به دو صورت میسر است:

۱. به صورت ناشناس: چرا که امام زمان علیه‌السلام هر سال در مراسم حج شرکت می‌فرماید. امام صادق علیه‌السلام در این باره فرمود: «يَفْقِدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ فَيَشْهَدُ الْمَوْسِمَ فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْنَهُ»^۲ [زمانی بیاید که] مردم امامشان را نبینند، پس امام آنها در موسم [حج] حضور می‌یابد و او مردم را می‌بیند، ولی مردم او را [به گونه‌ای که بشناسند] نبینند.

۲. به صورت تشرف به محضر امام: راه

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۴۹، ح ۲.

۲. کمال الدین، صدوق، ص ۳۴۶، ح ۳۳.

۳. مانند علی بن مهزیار و... ر. ک: بحارالانوار، ج ۵۲، صص ۱۵۹ - ۱۸۰.